



بیانات رهبر انقلاب در مراسم هیجدهمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره) - 14 / خرداد / 1386

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و الصلوة و السلام على سيدنا و نبينا ابي القاسم محمد و على اله الاطيبين الاطهرين المنتجبين الهداة المهديين المعصومين المكرمين سيما بقية الله في الارضين.

قال الله الحكيم في كتابه: «ألم تر كيف ضرب الله مثلا كلمة طيبة كشجرة طيبة اصلها ثابت و فرعها في السماء. تؤتي أكلها كل حين باذن ربها و يضرب الله الامثال للناس لعلهم يتذكرون.»

مجلس باعظمتی است. و از این باعظمت تر، میلیونها دلی است که در سراسر کشور، بلکه در اکناف عالم در این روزها به یاد امام بزرگوار ما میتپد. و این همه، حاکی از عظمت آن شخصیتی است که به توفیق الهی، توانست به يك ملت عظمت ببخشد، بلکه توانست به امت اسلامی عظمت بدهد.

خداوند متعال کلمه ی طيبه را به درخت پاکیزه و بارور تشبیه کرده است ؛ ریشه ها در زمین استوار و شاخ و برگ آن در فضا پراکنده است و به تناسب موقعیت و انتظار، میوه ی خود را به مشتاقان میدهد: «تؤتي أكلها كل حين باذن ربها». کلمه ی طيبه، هر آن فکری است که در دل يك انسان بزرگ و الهی بروید و منشأ برکات برای مردم بشود ؛ هر آن عملی است که از جوارح يك انسان صالح سر بزند و برای هدایت بشر و رشد عالم انسانیت دارای برکات باشد. همچنین کلمه ی طيبه، آن انسانی است که این اندیشه ی نیکو یا این عمل صالح در وجود او متحقق شده است و در او بروز و نمود پیدا میکند. بعد از این آیه، خداوند متعال میفرماید: «يثبت الله الذين امنوا بالقول الثابت في الحياة الدنيا و في الآخرة». آن قول ثابت موجب میشود که قائل به آن قول هم، ثبات و دوام پیدا کند. کلمه ی طيبه، هم قول است، هم آن قائل است ؛ هم فکر است، هم آن چیزی است که زائیده ی از آن فکر است ؛ هم آن شخصیت انسانی برگزیده ای است که این فکر و عمل به او قائم است.

این جور است که شما می بینید امام بزرگوار ما هر روز گوئی زنده تر میشود ؛ در فضای جامعه ی ما و در فضای بین الملل اسلامی، روزبه روز امام بزرگوار برجسته تر و فکر او و راه او فهمیده تر و ملموستر میشود. آن چیزی که این دوام را، این استمرار وجود را، این برکات را پدید آورده است، چیست؟ آن، ایمان مخلصانه و عمل صادقانه است.

امام بزرگوار ما مصداق این آیه ی شریفه بود که «ان الذين امنوا و عملوا الصالحات سيجعل لهم الرحمن ودا» ؛ هدف او، هدف الهی ؛ رفتار او، رفتار ایمانی ؛ و عمل او، عمل صالح. این است که در فضای ذهنیت جامعه ی اسلامی، برای چنین موجودی میماند و میرائی ندارد ؛ مثل سلسله ی انبیاء الهی و اولیاء الهی که جسمشان از مردم غایب شد، اما حقیقتشان و هویتشان زنده است.

رهبران مادی را با انواع حيله ها میخواهند در دلها زنده نگه دارند، نمیشود. جسد لنین - رهبر شوروی - را مومیائی کردند تا بماند و جلو چشم باشد، اما نماند. آن مومیائی - يك جسم بی ارزش - آن فکر و آن اصول و آن یاد، همه محکوم به زوال شد ؛ هم در جامعه ی خود او، هم در سطح جهان.



تفاوت رهبری و زعامت معنوی و روحی این است. علت هم همان اتصال با منبع اصلی قدرت، ارتباط با خدا، همه چیز را از او دانستن و همه کار را برای او کردن، است. این راز اقتدار و ماندگاری و نفوذ مردان خداست. امام با این دید و با این مبنا، همچنان زنده خواهد ماند. دشمنان او، مخالفان او، معارضان دینی و سیاسی او، رفتند و خواهند رفت؛ اما امام بزرگوار با فکرش، با هویتش و با وجود حقیقی اش در جامعه ی اسلامی و در جامعه ی بزرگ بشری ادامه پیدا خواهد کرد و روز به روز برجسته تر و قویتر و محسوستر خواهد شد. راز قدرت معنوی امام بزرگوار ما این است.

سرّ این نفوذ عجیب که این مرد بزرگ در دل توده های عظیم مسلمان در کشورهای مختلف راه یافت و راز این نفوذ عظیم، این است: از خود عبور کردن، برای خود تلاش نکردن، خدا را دیدن و از خدا الهام گرفتن و برای خدا مجاهدت به تمام معنا انجام دادن. این راز عظمت امام بزرگوار و رهبری روحانی است. پیامبران هم راز نفوذشان، راز ماندگاری شان همین بود؛ والا ظواهر و بند و بست سیاسی و شعارهای دهان پرکن و مورد علاقه ی توده های مردم را همه بلدند بدهند؛ دیگران هم این کارها را میکنند. این نیست آن چیزی که يك زعيم معنوی و روحانی را در دلها نافذ میکند؛ بر دلها حاکم میکند. و حکومت او از نوع حکومت معنوی و صوری نیست؛ از نوع حکومت انبیاء است؛ از نوع حکومت جباران و جائران هرگز نیست. لذا شما در زندگی امام که نگاه میکنید، این ارتباط با خدا و اتصال با خدا در او يك سکینه و آرامشی به وجود می آورد. آنجائی که دیگران وحشتزده میشدند، او آرام بود! آنجائی که دیگران به تزلزل می افتادند، او قاطع و مصمم بود. در وصیتنامه ی خود هم خطاب به مردم ایران، بلکه ملتهای مسلمان میگوید با دلی آرام و قلبی مطمئن از مردم خداحافظی میکند و به جوار رحمت الهی میرود. دم مرگ هم با دل آرام این جهان را ترك میکند.

بعضی ها به ذهنشان می آمد که چطور امام با این دقت و اهتمامی که در احکام دین و نسبت به جان و مال داشت و این همه ما در انقلاب و در جنگ شهید دادیم، دچار دغدغه نبود و با دل آرامی میتوانست دنیا را ترك کند و به ملاقات پروردگار برود؛ میگفتند جواب این خونها را که خواهد داد. جواب امام به این وسوسه ها این است که جواب این خونها را همان کسی خواهد داد که جواب خونهای صفین و نهروان را داد. جواب این سختیها را همان کسی خواهد داد که جواب سختیها و رنجها و محنتهای امیرالمؤمنین را در دوران زندگی خواهد داد. انقلاب برای نجات يك ملت دارای هزینه است؛ جنگ هشت ساله برای دفاع از استقلال يك ملت دارای هزینه است؛ ایستادگی در مقابل زورگویان عالم برای اثبات حقانیت و حقوق خود دارای هزینه است. امام این هزینه را پرداخت. هزینه ای که امام پرداخت، اعتماد عمومی مردم بود. این اعتماد عمومی را در این راه امام به کار انداخت و هزینه کرد، اما خدای متعال این هزینه را جبران کرد. آنچه را که امام هزینه کرده بود، چند برابر به او برگرداند.

در تشییع جنازه ی این مرد بزرگ، جمعیتی که حضور پیدا کردند، از جمعیت مردم در روز استقبال او بیشتر بود. این معنایش همین است که «من کان لله کان الله له». دلهای مردم به او متوجه بود. او این سرمایه را برای خود نخواست؛ این سرمایه از نظر او ملك پروردگار بود؛ باید در راه خدا مصرف میکرد و کرد؛ و خدا هم این سرمایه را به صورت مضاعف به او برگرداند. راه خدا این جوری است؛ راه خدا مجاهدت دارد، هزینه دارد و هزینه ی آن را باید پرداخت.

يك ملت اگر اهل خدا هم نباشد، دین و قیامت را هم قبول نداشته باشد و بخواهد به عزت برسد، باید هزینه کند؛



بخواهد به استقلال برسد، باید هزینه ی آن را بپردازد؛ بخواهد حق خود را در مقابل زورگویان عالم حفظ کند، باید متحمل هزینه ی آن بشود. نمیشود گوشه ای نشست و توقع و آرزوی پیشرفت و توسعه و عزت و آقایی کرد، اما در میدان عمل هیچ کوشش و تلاشی نشان نداد؛ این شدنی نیست. بعضی ها همین قدر این را بلدند که گله کنند، کمبودها را مطرح کنند، شکوه کنند؛ اما سهم خود را در راه پیشرفتی که باید پرداخت، چگونه میپردازند؟ از این دیگر حرفی نمیزنند. آنوقتی که وقت تلاش و سعی است، تماشاچی اند؛ آنوقتی که وقت داوری است، بی رحمانه و غیرمنصفانه داوری میکنند؛ این نمیشود. يك ملت، يك جمعیت، يك فرد، برای اینکه بتواند به آرزوهای بلند خود دست پیدا کند، باید تلاش کند. ملت ما این تلاش را کرد و توانست انقلاب را پیروز کند. این تلاش را کرد و توانست در جنگ تحمیلی هشت ساله، سربلند از آب در بیاید.

همه ی قدرتها دست به دست هم دادند، رژیم بعثی عراق را جلو انداختند برای اینکه انقلاب را نابود کنند؛ جمهوری اسلامی را از بین ببرند؛ اما ملت ایستاد. این ایستادگی نتیجه اش این شد که دنیا این تجربه را پیدا کرد که ایرانی، آنجائی که پای دفاع از حق و دفاع از حقیقت و دفاع از حقوق خود او در میان باشد، هرگز از میدان خطر عقب نمی نشیند. و تنها و تنها راه دستیابی يك ملت به حقوق خود، همین ایستادگی آگاهانه و از سر بصیرت است. آگاه باشند، حق خود را بشناسند، بر آن پافشاری کنند. نمیشود حق را از دیگران التماس کرد و گرفت.

امام ابرقدرتها را خوب شناخته بود؛ با قدرتهای سلطه گر و تجاوزگر نمیشود با التماس حرف زد. تا وقتی شما التماس کنید، عقب نشینی کنید، نرمش بخرج بدهید، طبیعت سلطه طلب این است که مُشتهای خود را گره تر میکند، تهدید خود را جدیتر میکند، چهره ی خود را خشمگین تر میکند و جلوتر می آید. حق را با ایستادگی باید گرفت. ملت ایران به حق استدلال خود دست یافت، عزت خود را تأمین کرد، مرزهای خود را امن کرد، يك حکومت باثبات در کشور به برکت همین ایستادگی، به برکت همین مجاهدت به وجود آورد؛ احساس قدرت کرد.

عزیزان من! ملت بزرگ ایران! جوانان عزیز! خودتان را جدی بگیرید. خودتان را باور کنید. توانستید و خواهید توانست. آن چیزی که قدرتهای سلطه طلب بخواهند به يك ملت اعطا بکنند، ارزش گرفتن ندارد. حق دستیابی به انرژی هسته ای را ملت ایران التماس کند تا قدرتمندان زورگوی دنیا و عزیزان بی جهت دنیا بپذیرند که او دارای حق هسته ای است! نه؛ این، رویه ی يك ملت آزاد و مستقل نیست. همه ی حقوق دیگر هم از این قبیل است.

مطلب دیگر این است که امام بزرگوار ما توانست يك هویت جدیدی را در دنیای پر آشوب سیاست، در این منطقه به وجود بیاورد و آن، هویت جمهوری اسلامی و ملت زنده ی ایران است که توانستند این جمهوری را ایجاد کنند و از آن پاسداری کنند. این، يك هویت اسلامی و يك هویت ملی است و این هویت، مخصوص ملت ایران هم نیست. هویت اسلامی، متعلق به همه ی امتهای اسلام است. امام بزرگوار ما با همت ملت ایران توانست این هویت را ایجاد کند و آن را زنده کند.

سالهای متمادی، سیطره ی غرب بر این منطقه مستحکم شده بود. بعد از جنگ بین الملل دوم، تقریباً کار تسلط بر منطقه ی خاورمیانه تمام شده بود. از سالها قبل، استعمار شروع کرده بود و در این دوره، کار را تمام شده میدید. عراق يك جور زیر سلطه، ایران جور دیگر، کشورهای عربی - اردن و سوریه و لبنان و مصر و کشورهای دیگر - هر کدام به نحوی زیر سلطه ی سنگین استعمارگران و سلطه گران غربی و اروپائی و سپس امریکائی بودند. برای محکم کردن



کار، رژیم غاصب اسرائیل را هم در این منطقه ی حساس به وجود آوردند تا مطمئن باشند که غرب به وسیله ی صهیونیستها، در این منطقه ی حساس، وجود محسوس و نظامی و سیاسی و فعالی دارد و همه چیز را کنترل کند.

در سالهای آخر نیمه ی اول و اوائل نیمه ی دوم آن قرن، تحركات آزادی خواهانه در کشورهایی به وجود آمد، اما غربیها بسرعت توانستند آنها را کنترل کنند و زیر پنجه ی خودشان بگیرند. عراق را يك جور، بعضی کشورهای دیگر عربی را جور دیگر، مصر را به نحوی دیگر؛ نمیگذاشتند به هیچ وجه کنترل این منطقه ی حساس و سرشار از منابع حیاتی از دست آنها خارج شود. در چنین شرائطی، ناگهان انقلاب اسلامی آنها را غافلگیر کرد. باور نمیکردند نهضت روحانیت و رهبری امام به يك چنین حرکت عظیم مردمی تبدیل شود. ملت ایران یکپارچه وارد میدان شد. همت ملت ایران و رهبری بی نظیر امام بزرگوار ما این حادثه ی معجزه گون را آفرید.

در دنیای سیاست، هیچکس باور نمیکرد که در این منطقه - آن هم در ایران که امریکائیها نفوذ صد در صد بر دولتمردان و دربار آن داشتند - ناگهان نظامی سر بلند کند که بر قاعده ی دین، بر مبنای دین، بنا شده و پرچم اسلام و لا اله الا الله و محمد رسول الله را در دست گرفته است. آن روز همه ی کسانی که به سیاست، با چشم عمیق نگاه میکردند، فهمیدند که مسیر منطقه عوض شد. البته سلطه گران خیلی تلاش کردند که این شعله را خاموش کنند؛ این حرکت را از بین ببرند؛ این نوزاد را رشد نکرده، لگدمال کنند؛ اما افراد بابسیرت میدیدند و میفهمیدند که دست قدرت الهی دارد خود را نشان میدهد. روز به روز این نهال بارور، بالنده تر و ریشه دارتر شد. این نهال جمهوری اسلامی است؛ این همان کلمه ی طیبه است؛ «أصلها ثابت و فرعها فی السّماء».

امروز نظام جمهوری اسلامی در همه ی این منطقه، باثبات ترین نظام است. ملت ایران امروز در این منطقه پرشورترین و مصمم ترین و پای کارترین ملت های این منطقه است. و نظام جمهوری اسلامی در این مدت توانسته است با قدمهای بسیار بلندی در همه ی زمینه ها به پیش برود. در میدان سیاست، ادبیات سیاسی دنیا را با عناصر مهمی تغییر داد؛ در میدان علم، رکود مطلق حاکم بر این منطقه و این کشور را بر هم زد. جوانان ما به خود امیدوار شدند؛ خود را باور کردند. حرکت عمومی ملت و دولت به سمت آرمانها، حرکتی شتابنده است. دولتها و دولتمردان گوناگون در جهت حرکت انقلاب اسلامی، در تمام طول این مدت، پیش رفتند و کارهای بزرگی انجام گرفت و در دنیای اسلام روز به روز چهره ی جمهوری اسلامی درخشانتر و آبروی ملت ایران بیشتر شد.

امروز در هر نقطه ی از دنیای اسلام و میان امت اسلامی، در میان جوانان، در میان دانشگاهیان، در میان توده های مردم که شما بروید و نظرخواهی کنید، نظام جمهوری اسلامی، امام بزرگوار و ملت، در این نظام مورد قبول و تصدیق و حمایت و محبت اکثریت آنها هستند. ملت، در صحنه؛ نظام، در حال پیشرفت؛ کشور، در حال تحرك به سمت آرمانها؛ و دل های جوان، سرشار و لبالب از امید. اما ما باید بدانیم و توجه کنیم که تداوم این حرکت مبارک، بسته به این است که خطوط اصلی این حرکت را هرگز از یاد نبریم؛ کما اینکه تا امروز قاطبه ی ملت ایران و بخش عظیمی از نخبگان این کشور، آن را از یاد نبرده اند و آن را دنبال کرده اند.

اگر در بین خطوط اصلی چند نقطه ی اصلیت را بخواهیم نشانه کنیم و مطرح کنیم، یکی اسلامی بودن است؛ یکی مردمی بودن است؛ یکی نو بودن و ابتکاری بودن است.



اسلامی بودن دارای خصوصیات گوناگونی است. ابعاد مختلفی از همین مطلب، از همین عنوان اسلامی بودن فهمیده میشود که باید به آنها توجه داشت. ما میگوئیم نظام ما، اسلامی است؛ یعنی متعلق به اسلام است؛ مورد توجه و قبول همه ی مسلمانان است؛ مخصوص يك فرقه ی از مسلمانان نیست. درست است که این نظام از دل معارف شیعی جوشید و به وسیله ی يك مرجع تقلید شیعه، رهبری و هدایت شد، اما نظام جمهوری اسلامی هرگز شناسنامه ی تك مذهبی برای خود فراهم نکرده است. به همین دلیل هم هست که در سرتاسر دنیای اسلام، جوانان از مذاهب مختلف اسلامی، طرفدار و علاقه مند به این نظام بوده اند و نام امام را گرمی و مقدس داشته اند. در تمام این بیست و هشت سال و تا امروز، در کشورهای عربی، در بسیاری از کشورهای اسلامی غیر عربی در شرق و غرب دنیای اسلام، جوانان، دلباخته ی نام امام بزرگوار ما و شیفته ی جمهوری اسلامی اند.

امروز جوانان سنی فلسطین مانند جوانان شیعه ی مخلص لبنان، چشم به نظام جمهوری اسلامی دوخته اند. امید را از نگاه به جمهوری اسلامی در دل خود انباشته میکنند. استقامت جمهوری اسلامی، آنها را امیدوار میکند. آنها از عزت جمهوری اسلامی احساس عزت میکنند. در هر کشوری از کشورهای اسلامی، هرکدام از مسئولان عالی رتبه ی کشور ما به دانشگاهی رفتند، به میان مردم رفتند، مردم آنها را مانند جان در آغوش گرفتند؛ به آنها عشق میورزند. هر چه مواضع يك مسئول صریحتر و روشنتر نمایانگر مواضع جمهوری اسلامی باشد، محبت و ارادت دنیای اسلام به او بیشتر میشود. بنابراین اسلام در کشور ما به معنای اسلام فرامذهب و هویت فرامذهبی است. اکثریت مردم کشور ما که شیعه و امامی و مخلص اهل بیت (علیهم السّلام) هستند، در کنار اکثریت دنیای اسلام که دارای مذاهب مختلف اهل تسنن اند، و در کنار برادران شیعه ی خودمان در عراق و در لبنان و در پاکستان و در بحرین و در دیگر نقاط، با يك نگاه به جمهوری اسلامی نگاه میکنند و حاضرند در راه جمهوری اسلامی فداکاری کنند. ما در جنگ تحمیلی افرادی از کشورهای دیگر را سراغ داشتیم که برای دفاع از مرزهای جمهوری اسلامی، آماده ی فداکاری بودند. اسلامی بودن، یعنی وابسته ی به اسلام و مبتنی بر شرع مقدس اسلام.

يك بُعد دیگر اسلامی بودن این است که ما ارزشهای اخلاقی و نظامهای سیاسی و اجتماعی و قواعد کلی دین را از کتاب و سنت میگیریم و به آن متعبدیم. ما به تعبد به کتاب و سنت افتخار میکنیم و معتقدیم فهم درست کتاب و سنت، برای يك نگاه باز و روشن و برای يك جامعه ی اسلامی میتواند صدها راه برای مسائل گوناگون زندگی باز کند. بعضی خیال میکنند تعبد به کتاب و سنت، محدود کننده ی انسان در تجربه های گوناگون و پی در پی و نوبه نو در زندگی جهانی است. این ناشی از درست نشناختن کتاب و سنت و نگاه عامیانه به کتاب و سنت کردن است. نگاه مجتهدانه به کتاب و سنت میتواند راههای گوناگونی را باز کند برای اینکه انسان بتواند جامعه، خود و نظامهای گوناگون را اداره کند و راههای بازی را در مقابل خود بیابد.

يك بُعد مهم اسلامی بودن این است که اجتهاد اسلامی، میتواند به تمام نیازها پاسخگو باشد و پشتوانه ی علمی فقیهان و متکلمان و فیلسوفان اسلامی و دانشمندان علوم اسلامی، میتواند راهها را باز کند.

خط اصلی دوم، مردمی بودن است. مردمی بودن در نظام جمهوری اسلامی، يك شاخه ی اصلی است؛ یعنی رأی مردم، هویت مردم، کرامت مردم، خواست مردم، از جمله ی عناصر اصلی در نظام جمهوری اسلامی و این بنای مستحکم است. رأی مردم تعیین کننده است. نیازهای مردم، هدف اساسی دولتمردان و نظام جمهوری اسلامی است. این نیازها، هم نیازهای مادی است و هم نیازهای معنوی و اخلاقی و روحی.



در نظام جمهوری اسلامی همچنانیکه اقتصاد مردم اهمیت دارد، امنیت مردم هم اهمیت دارد؛ همچنانیکه امنیت جسم آنان دارای اهمیت است، امنیت اخلاق آنان هم دارای اهمیت است؛ همچنانیکه حفظ تشکیلات کشوری مهم است، حفظ نظام خانواده هم مهم است. جمهوری اسلامی در مقابل همه ی این نیازهای مردم، خود را موظف میداند و مردم به معنای حقیقی کلمه، صاحب رأی و صاحب اختیارند؛ بر خلاف دموکراسی رائج در غرب؛ لیبرال دموکراسی شکست خورده ی رسوا شده ی غربی. دموکراسی غربی در حقیقت انتخاب مردم نیست، انتخاب زرسالاران است؛ حتی انتخاب بدنه ی احزاب هم نیست، انتخاب سران و رهبران احزاب است. آنها هستند که حکومتها را می آورند و میبرند؛ آنها هستند که تصمیمهای بزرگ را میسازند. مردم در اکثر تصمیمهای بزرگ، برکنار از تصمیم گیری و تصمیم سازی اند؛ کسی هم به آنها اعتنا نمی کند. آنقدر هم آنها را گرفتار مشغله و کار میکنند که نمیتوانند و فرصت آن را پیدا نمیکند که آنچه را که میخواهند، به زبان بیاورند.

ساخت استبدادی و دیکتاتوری به شکل بسیار مدرن و پیشرفته، امروز در بسیاری از کشورهای غربی و در رأس آنها در امریکا مستقر و حاکم است. آنجا مردم به معنای انسانهای صاحب اختیار و صاحب اراده، نقشی در بر سرکار آوردن حکومتها ندارند؛ پول است و زور صاحبان سرمایه و زرسالاران است که همه چیز را تعیین میکند و همه چیز را در مجرای دلخواه خود به حرکت می اندازد.

نظام جمهوری اسلامی، آن دموکراسی مبتنی بر مبانی غلط غربی را رد میکند. مردم سالاری دینی به معنای کرامت حقیقی انسان و حرکت عموم مردم در چهارچوب دین خدا و نه در چهارچوب سنتهای جاهلی و خواسته های کمپانیهای اقتصادی و اصول خودساخته ی نظامیان و جنگ سالاران است. در نظام جمهوری اسلامی، حرکت برخلاف آنهاست؛ حرکت در چهارچوب دین خداست و اراده ی مردم، تعیین کننده ی مطلق است.

امروز نظامهای غربی و در رأس آنها امریکا، همین دموکراسی بد تجربه شده و بد امتحان پس داده را میخواهند به زور به بعضی کشورها تحمیل کنند. دولت فلسطین را که از آراء مردم برخاسته، قبول نمیکند؛ برای دولت عراق که از آراء مردم به معنای حقیقی کلمه، جوشیده و بر سر کار آمده، انواع مشکلات را درست میکنند؛ از کودتاهای نظامی و کودتاگران نظامی به شرطی که زیر فرمان آنها باشند، کمال حمایت را میکنند، باز دم از مردم سالاری میزنند!

مشخصه ی سوم نوآوری است. من با اصرار میخواهم به نخبگان سیاسی و فرهنگی خودمان این توصیه را بکنم که مبانی اسلام را آنچنانیکه از کتاب و سنت فهمیده میشود، بیان کنند و در مقابل نگاه پرسشگر مردم دنیا یا مردمی از داخل کشور خودمان قرار بدهند. این بسیار بد است که بعضی از ما احیاناً به خاطر احساس حقارتی که در مقابل غربیها میکنند، سعی کنیم افکار اسلامی را آن جوری بیان کنیم که با نظرات غربی تطبیق بکند؛ این بسیار نامناسب و ناشایسته است. ما امروز معارفی داریم؛ ادبیات سیاسی ما در دنیای امروز دارای جذابیت است. يك عده ای چون خودشان دلباخته ی به مفاهیم غربی هستند، افکار اسلامی، مبانی حکومتی و قواعد گوناگون اجتماعی در اسلام را جوری بیان میکنند که با مبانی غربی تطبیق کند؛ برای اینکه آنها خوششان بیاید!

ما باید این فکر را بکنیم که این نوآوری اسلامی را که تاکنون برکات خودش را به این روشنی نشان داده است - با اینکه ما در عمل نواقص زیادی داشته ایم - بتوانیم به دنیا تفهیم کنیم؛ به دنیا بشناسانیم. امروز مشتاقان معارف



معنوی واقعی و راستین - معارف معنوی راستین، نه آنچه که بعضی از مکاتب انحرافی به عنوان معنویت بیان میکنند - در دنیا بیشمارند؛ زیادند. زندگی مادی، چرخ و پَر زندگی ماشینی، مردم بسیاری را به ستوه آورده است. مکتب اسلام میتواند دریچه ای در مقابل آنها باز کند؛ عالم نوی را به آنها نشان بدهد. ما نباید در بیان حقایق اسلامی، نوآوریهای اسلامی را با تطبیق با مبانی غلط دیگران از بین ببریم و این جلوه را خراب کنیم. ما از یاد گرفتن از دیگران ننگ نداریم. هرچه را که بلد نیستیم، از دیگران یاد میگیریم. آن حرف خوبی که دیگران بگویند، آن را از آنها میپذیریم؛ این دستور اسلام است؛ اما آنجائیکه میخواهیم سخن اسلام را بیان کنیم، باید سخن اسلام ناب را فراهم بکنیم.

من در يك جمله عرض بکنم: برادران و خواهران عزیز! این هویت جدیدی که امام بزرگوار ما به وجود آورد، با ناباوری همه ی دنیا مواجه شد. آن روزی که در مقابل جنگ تحمیلی توانست دوام بیاورد و پیروزی را به نام خود ثبت کند، يك بار دیگر دنیا را متعجب کرد؛ آن روزی که توانست با پیشرفت علمی خود در مسئله ی هسته ای و مسائل دیگر علمی، توانائیهای خود را اثبات کند، يك بار دیگر چشمهای افراد صاحب نظر را متعجب و خیره ی به خود کرد. من عرض می کنم راه طولانی ای در پیش دارید و در این راه طولانی، موفقیتهای بیشماری در انتظار شماست. آنچه که تا کنون ملت ایران از موفقیتها به دست آورده است، در مقابل آنچه که به برکت ایستادگی و روشن بینی و آگاهی، در آینده ان شاء الله به دست خواهد آورد، چیزی محسوب نمیشود. آینده ی ملت ایران از گذشته ی او بمراتب بهتر خواهد بود.

امروز دستگاه امپراطوری خبری و رسانه ای دشمن، سعی میکند تصویر مخدوش و غلطی را از ملت ایران و جمهوری اسلامی منعکس کند؛ اما تصویر واقعی این است: ملت ایران در برابر همه ی تهدیدها و چالشهایی که در این بیست و هشت سال با آن مواجه بود، پیروز شد؛ ملت ایران در مقابل همه ی فشارهای گوناگونی که آوردند، توانست اصول خود و جهتگیریهای خود را حفظ کند؛ ملت ایران بر اثر صبر و پایداری خود توانست هم در بخش علمی و آنچه مربوط به پیشرفتهای علم و فناوری است، هم در بخشهای مدیریت اجتماعی و سیاسی کشور و هم در وجهه ی عزت بین المللی، رتبه ی خود را به رتبه های بسیار بالا برساند و بالاخره ملت ایران توانست برای ملتهای مسلمان منطقه الگو بشود. ملتها از ایستادگی ملت ایران، احساس عظمت میکنند؛ احساس عزت میکنند؛ عزت ملت ایران را عزت خودشان میدانند. این، آن هویتی است که انقلاب اسلامی با پایداری این مرد بزرگ و با همت ملت ایران به وجود آورده است.

ما وظائف سنگینی داریم که باید این وظائف را انجام بدهیم. دولتمردان وظائف سنگینی دارند که باید انجام بدهند. ملت حق دارد اولین چیزی را که از مسئولان انتظار دارد و توقع میبرد، ملاحظه ی عدالت باشد. برای تأمین عدالت که بسیار هم دشوار است، باید همه کار کنند؛ همه تلاش کنند. من اول سال گفتم: مسئله ی اقتصادی يك مسئله ی مهم کشور است. مسئله ی جنگ روانی دشمن يك مسئله ی مهم دیگر است. مسئله ی پیشرفت علمی هم مسئله ی سومی است که برای ملت ما بسیار مهم است.

ملت عزیز ما در زمینه ی اقتصادی و فعالان اقتصادی، آنچه میتوانند باید تلاش کنند. در بخش سرمایه گذاری، در بخش کارگری، در بخش نوآوریهای فنی و صنعتی، در بخش رشد کشاورزی، هرکس هرچه میتواند باید تلاش کند.



در کار اتحاد ملی و مقابله ی با جنگ روانی دشمن، همه باید هوشیار باشند. ملت ایران به فضل پروردگار این توانائی را دارد که از خطرات عبور کند؛ از آنچه که دشمن آن را تهدید میداند، عبور کند. دشمن چشم دوخته است به نقاط اختلاف در میان ملت بزرگ ایران، برای برجسته کردن موارد اختلاف یا ایجاد کردن موارد اختلاف. اواخر امسال ما انتخابات داریم؛ دشمن تصور میکند میتواند با چالشهای انتخاباتی، بین مردم ما جدایی و تفرقه بیندازد. ما به حول و قوه ی الهی همین انتخابات آینده ی مجلس را وسیله ی دیگری برای رشد و عزت این ملت قرار خواهیم داد.

پیوند برادری میان ملت لازم است، اما کافی نیست؛ پیوند برادری علاوه ی بر درون ملت، باید میان امت اسلامی با کشورها و ملت‌های دیگر برقرار باشد. جنگ شیعه و سنی از جمله ی توطئه های بزرگ دشمنان است. یک گروه متعصب متحجر بی خبر از حقایق عالم و بی خبر از معنویت را در مقابله ی با فرق اسلامی به راه می اندازند - در عراق یک جور، در لبنان یک جور، در مناطق دیگر یک جور - برای اینکه اختلاف ایجاد کنند.

برادران مسلمان چه در ایران، چه در عراق، چه در پاکستان، چه در لبنان، چه در فلسطین، چه در دیگر مناطق عالم، از هر مذهبی که هستند، این را میدانند که نظر ما این است و نظر علمای حقیقی اسلام این است که: «آلودن دست به خون برادر مسلمان، جزو گناهان غیرقابل بخشش است». کسانی دست خود را به خون برادران مسلمان‌شان می آلودند به عنوان پیروی از اسلام؟! به نام پایبندی به اسلام؟! این خروج از اسلام است. همه بدانند: برادری ملت ایران با ملت‌های مسلمان دیگر، یک برادری واقعی است؛ اختلاف مذهبی در جای خود هست - شیعه، شیعه است؛ سنی، سنی است - در میان اهل تسنن و در میان شیعه، اختلافهای فکری و مذهبی باز هم وجود دارد؛ اما همه ی اینها زیر پرچم لا اله الا الله و محمد رسول الله باید برادر باشند و در مقابله با دشمنان اسلام و دشمنان امت اسلامی بتوانند ایستادگی کنند.

پروردگارا! امام بزرگوار ما را با پیغمبران محشور کن؛ ما را قدردان میراث گرانقدر معنوی او قرار بده؛ ما را قدردان شخصیت بی نظیر او قرار بده. پروردگارا! ملت ایران را پیروز کن؛ ملت ایران را کامیاب کن؛ ملت ایران را روز به روز عزیزتر بفرما. پروردگارا! امت بزرگ اسلامی را با همه ی نعمتها و کرامتهای خود، سربلند بگردان. پروردگارا! امت بزرگ اسلامی را روز به روز متحدتر بفرما. پروردگارا! برادران علاقه مند به نظام جمهوری اسلامی و علاقه مند به امام راحل و محبوب دل این ملت را در هر نقطه ی دنیا که هستند، مشمول تفضلات خود قرار بده؛ قلب ولی عصر (ارواحنا فداه) را از ما راضی بفرما.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته